

فرهنگي



نماد انقلاب کجاست؟
تنها میدانی که در تهران به نام

ورزش



خاموشي ستاره ها
آفریقایها و اروپایها

فرهنگي



او صدای سرزمین خورشید
بود

گفتگو



افساید یعنی عاشق شدن
با حمدرضا صدر درباره فوتبال

صفحه اصلی روزنامه درباره ما ارتباط با ما پیوندها راهنمای سایت بورس آب و ه

جمعه 15 مرداد 1389 / 25 شعبان 1431 / 2010

جستجو در جام جم یک ماهه اخیر بگرد

فرهنگي

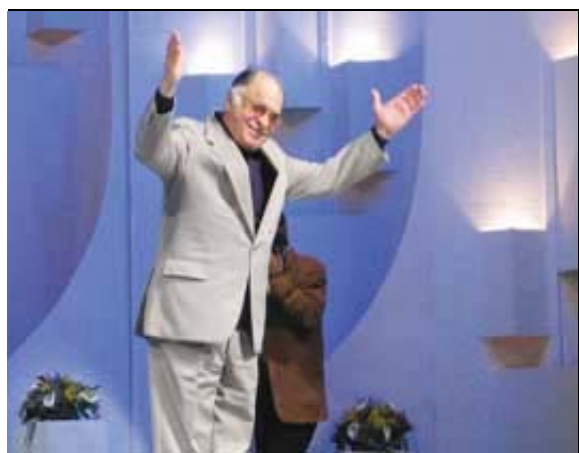


شماره خبر: 100882208591 پنجشنبه 14 مرداد 1389 - ساعت 00:02

صفحه اول روزنامه

سیاسي
رادیو و تلویزیون
اقتصاد
فرهنگي
جامعه
ورزش
دانش
جهان
حوادث
ایران زمین
گفتگو
سلامت
اندیشه
صفحه آخر
جستجوی پیشرفته
ضمائم
ویژه نامه ها

گفتگو با فریبرز لاجینی درباره زنده یاد محمد نوري او صدای سرزمین خورشید بود



زمستان 1370 بود که با آلبوم «آوازهای سرزمین خورشید» با صدای محمد نوري مانوس شدم. پیش از آن صدای گرم و گیرای او را در تک آهنگ های پیش از انقلابش اینجا و آنجا شنیده بودم، اما آوایش در ترانه هایی چون دیار خوب من، مارال، ای وطن، بخته دل، لالایی و دیگر قطعات این آلبوم، آشنایی مرا با صدایش به الفت و همنشینی تبدیل کرد.

از شبانگاه شنبه که خبر درگذشت محمد نوري پخش شد، اهالی رسانه ها و خبرگزاریها به سراغ موسیقیدانان مختلف رفتند و از آنان درباره این صدای جاودان پرسیدند که در این میان جای 3 آهنگساز اصلی کارهای بعد از انقلابش خالی

بود. محمد سریر که در خارج از کشور به سر می برد و دسترسی به او ناممکن بود، از شهرام گلپریان ک. خبری نداشت و محمد لاجینی نیز طبق معمول کمتر دوست داشت خودش را نشان دهد. در این میان اش من برای گفتگو با لاجینی بیشتر از دیگر آهنگسازان کارهای نوري بود، چرا که 2 آلبوم در شب سرد زمستان آوازهای سرزمین خورشید از ساخته های او بودند. گفتگو با فریبرز لاجینی در شرایطی انجام شد که او در گرفتار کارهای هنری اش و بستری شدن یکی از بستگانش در بیمارستان بود. اگر نبود نام بلند و بزرگ م نوري، شاید هیچگاه این مصاحبه انجام نمی شد.

کي با صدای محمد نوري آشنا شدید؟

دهه 40 خورشیدی بود که در رادیو با او آشنا شدم. آن زمان من تازه شروع به کار کرده بودم و نوري 10 ساله می شد که می خواند. از همان زمان دوست داشتم با او همکاری کنم که البته 23 سال بعد این فرصت داد.

منظورم این بود که چه زمانی آواز نوري به گوشتان خورد و برای اولین بار صدایش را شنیدید

خب این برمی گردد به سال های دهه 30 و ابتدای دهه 40. از همان زمان نوري سبک ویژه و زیبایی خود داشت و بسیاری از جوانان و نوجوانان از جمله من را جذب صدایش کرده بود. در آن سالها موسیقی پاپ جایش را در ایران باز کرده بود و خوانندگان انگشت شماری فعالیت می کردند. در این میان نوري چون به سبک های جاز، بلوز یا مشابه آنها نرفته بود، با دیگران تفاوت داشت.

سبکش از کجا سرچشمه می گرفت؟

نوري به زبان انگلیسی تسلط داشت و برخلاف خیلی ها آثار غربی را گوش می کرد و بخوبی می شناسا می توان گفت بیشتر تحت تاثیر کارهای اروپایی بود تا آمریکایی. البته این تنها یک وجه کارش بود. آنچه ترانه های او شخصیت می داد، ریشه های ایرانی اش بود.

چه ریشه‌هایی؟

نوری موسیقی ردیف دستگاہی را می‌شناخت، روی موسیقی نواحی و فولکلوریک ایران کار کرده بود و با اد کلاسیک و معاصر ایران بویژه شعر آشنایی عمیق و گسترده داشت که همه اینها دست به دست هم د از او چهره‌ای خاص ساخته بود.

جدای از همه اینها، نوری همیشه تشنه دانستن بود و پیش استادان گوناگون عرصه موسیقی و ادبیات تح کرده و چیزهای بسیاری یاد گرفته بود. از سوی دیگر مطالعات بسیاری در زمینه‌های مختلف هنری و فره داشت که به کارش عمق می‌داد.

هنوز این پرسش جدی هست که کار محمد نوری را در چه گروه و نوع موسیقی باید قرار داد، او یک هنرمند پاپ بود؟

وقتی از پاپ صحبت به میان می‌آید، بیشتر وجه مردمی و عامه‌پسند آن است که درباره کارهای نوری د می‌کند. برای مثال ترانه جان مریم یک موسیقی مردمی است که از همان سالها شهرت پیدا کرد و امروز بسیاری آن را گوش و زمزمه می‌کنند

. دیگر کارهای او نیز چنین شرایطی دارند. اما از سوی دیگر، او موسیقی پاپ سبک و غیر علم نمی‌پسندید. کارش آنچنان قوام و استحکام هنری و فرهنگی داشت که علاوه بر عامه مردم، اساتید موس و مخاطبان فرهیخته و نخبه جامعه نیز ترانه‌هایش را دوست داشتند. در واقع او آموزه‌های پاپ اروپایی دانش موسیقی و پیشینه نغمه‌های فولکلور و بومی ایرانی در هم آمیخته و سبکی فاخر را پدید آورده بود.

پیش از آن که به سال‌های دهه‌های 60 و 70 خورشیدی و همکاری شما با آن زنده‌یاد بر نه بهتر است از ویژگی‌های زندگی هنری‌اش در پیش از انقلاب بیشتر بدانیم.

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد نوری پیش از انقلاب این بود که هیچ علاقه‌ای به کار در محیط‌های غیر د مثل کافه‌ها یا جاهای شبیه آن و مجالس آنچنانی نداشت.

با این که پول خوبی به او پیشنهاد می‌دادند، اما هرگز پا به این جور جاها نگذاشت. در عوض بارها برای خیریه روی صحنه رفت و بی‌هیچ چشمداشتی خواند. کسب پول هیچ جایی در هنرش نداشت. خر می‌گفت که موسیقی کسب و کارش نیست و قرار نیست از آن پول در بیاورد. نوری راه خودش را در موس رفت و این هم در سبک خواندن و هم شکل زندگی هنری‌اش دیده می‌شد.

کم کاری نوری در دهه 50 خورشیدی به چه دلیل بود؟

در آن سالها چون خوانندگان زیادی می‌خواندند و رسانه‌ها به دنبال انواع دیگر موسیقی پاپ بودند، او بنا کم کار شد. شاید عرصه برای موسیقی فاخر او تنگ شده بود و شرایط کار آن گونه که او دوست دار برایش فراهم نبود. برای همین 2 دهه کناره گرفت و سال‌های 68 و 69 خورشیدی بود که دوباره شروع کرد

و اولین کارهایش با شما بود.

این افتخار را پیدا کردم که با او 2 آلبوم «در شب سرد زمستانی» و «آوازهای سرزمین خورشید» را کار کنم

در موقعیت یک همکار او را چگونه هنرمندی دیدید؟

استاد بسیار متبحری بود که کار کردن با او نشاط خاصی داشت. هنرش پدیده ویژه‌ای بود که دیگر نمی‌شود. صدایش، تسلطش بر شعر و ترانه و سبک خاصش در تاکید بر حروف و واژگان مثال‌زدنی ه است. صدایش حجمی خاص و گیرایی بسیار قوی داشت.

بهترین ساز، صدای انسان است و این در نوری تجلی پیدا کرده بود. او پلی میان موسیقی پاپ غربی و م ایران بود و برای همین کارش رنگ و بوی اینجا را داشت.

آیا این دو کار را بر اساس سبک ویژه خواندن او آهنگسازی کردید؟

غیر از این نمی‌شد. نوری سنجیده، دقیق و با وسواس کار می‌کرد. او از آن خوانندگانی نبود که شعر، تر ملودی را انتخاب کنی و از او بخواهی تا بیاید و کار را بخواند. نوری در تمام مراحل انجام یک کار حضور داشت

در 2 آلبومی که باهم انجام دادیم، آهنگسازی من بر اساس صدای او شکل گرفت. احساس عجیبی در او بود که نمی‌شد بدون توجه به آن کار کرد و آهنگ ساخت.

دوباره وسواس و دقت در کارش توضیح بیشتری بدهید.

روي ادای هر واژه ترانه و شعر حساس بود. برای مثال وقتی می‌خواستیم آهنگی ترکی را اجرا کنیم، او تلفظ تک‌تک واژه‌ها و حرف‌ها کار می‌کرد و در این راه از بسیاری کمک می‌گرفت. برای همین تلفظ‌هایش هم صحیح بود.

در خواندن دیگر ترانه‌های محلی نیز همین تسلط را از خودش نشان می‌دهد.

درست است. او براحتی از پس خواندن ترانه‌های ترکی، کردی، گیلکی، شیرازی و... با لهجه درست و دقی می‌آمد.

راز این موفقیت چه بود؟

سختکوشی، سختگیری، سواد موسیقایی، نظم و انضباط و دقت در کار. در ضبط آثارش بارها پیش می‌آمد پس از اتمام مراحل فنی دوباره می‌آمد و می‌گفت آن طور که می‌خواست از کار در نیامده و ترانه را می‌کرد.

بسیار سختکوش بود. برای مثال در آلبوم در شب سرد زمستانی که ملودی بسیار مشکلی روی اشعار یوشیچ داشت، هر روز ساعت‌ها کار می‌کرد و خسته نمی‌شد. فقط 2 ماه اول سر این وقت گذاشت جایی برسد که به گفته خودش احساس شعر را بتواند بخوبی بیان کند.

محمد نوری با صدای خود به اشعار نیما طنین دیگری بخشید و گویی آنها را از وادی خاموش واژه‌ها به دباشکوه و پرفراز و نشیب اصوات رهنمون شد. این همکاری موفق در آلبوم مشترک آوای سرزمین خورشید یافت. به خاطر دارم که نوری دقت و حساسیت خاصی در کار خود داشت و گاهی ماه‌ها کار می‌کرد تا ترانه را به بهترین وجهی ارائه نماید.

پس شما را به عنوان يك همکار حسابي خسته می‌کرد.

و چه خستگی شیرینی. چرا که علاقه و جدي گرفتن کار از سوي او، به ما هم انگیزه و توان بیشتری می‌داد. در تولید آن دو آلبوم، از صبح تا عصر بی‌وقفه کار می‌کردیم. کار روی این آلبوم‌ها یکی از بهترین تجربه‌هایم است. یکی از افتخارات حرفه‌ای‌ام به حساب می‌آید که هنوز پس از گذشت سال‌ها گویا کهنه نشده است.

و چرا این همکاری ادامه پیدا نکرد؟

از سال گذشته قصد همکاری برای ترانه‌های فولکلور در آلبوم جدیدی با محمد نوری را داشتم که قرار بود پرفع کسالت ایشان شروع شود که افسوس بخت با من یار نبود. روحش شاد و یادش گرامی باد.

مهدي ياورمنش / گروه فرهنگ و

نظرات خوانندگان (0 نظر)

لطفاً نظرات را فارسی وارد

نظر خوانندگان:

نام: پست الکترونیک: ارسال

تمامی حقوق مادی و معنوی این سایت متعلق به روزنامه جام جم می باشد. هرگونه استفاده غیرقانونی از مطالب سایت پیگرد قانونی خواهد داشت .